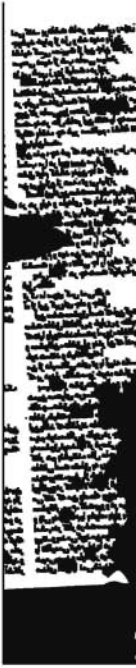


بازخوانی حادثه مسجد فیل

مجله نامه مطالعات تاریخی



بازخوانی حادثه مسجد فیل

○ حسن شمس‌آبادی

۴۷

اشاره

حادثه مسجد فیل از جمله حوادث مهم انقلاب اسلامی در مشهد است که پس از قیام پانزده خرداد و مهاجرت علما به تهران بوقوع پیوست. این حادثه زمانی رخ داد که واعظ شهیر سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد جهت ایراد سخنرانی به مسجد فیل واقع در پایین خیابان دعوت شد. در شب بیست و سوم مهرماه ۱۳۴۲ش سومین جلسه از این سلسله سخنرانیها، جمعیتی حدود شش هزار تا هفت هزار نفر جهت استماع سخنرانی هاشمی‌نژاد گرد هم آمدند. ایشان با تشریح لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی، از سیاستهای رژیم در تساوی ظاهری حقوق زن و مرد، بازداشت امام و دیگر علما پس از قیام پانزده خرداد و همچنین وجود اختناق و عدم وجود آزادی در کشور انتقاد کرد. ایشان در بخشی دیگر از سخنان خود اسدالله علم را تهدید کرد. ساواک مشهد که از چندی پیش از سخنرانیها و روشنگریهای وی احساس خطر کرده بود پس از رایزنی و کسب مجوز از استاندار خراسان و ساواک مرکز دستور بازداشت هاشمی‌نژاد را صادر کرد.

با صدور مجوز بازداشت هاشمی‌نژاد، ساواک مشهد تصمیم گرفت تا جهت ارباب هر چه بیشتر مردم ایشان را در انظار عمومی و مقابل چشم همگان بازداشت نماید. بازداشت او که به اذعان خود ساواک با بی‌تدبیری صورت گرفت موجب ایجاد تنش و درگیری نیروهای مذهبی با نیروهای شهربانی گردید. در نتیجه این درگیریها تعدادی کشته و زخمی شدند. بازداشت واعظ معروفی چون هاشمی‌نژاد، تدابیر امنیتی و حفاظتی ساواک پس از حادثه، ارباب و تهدید مراجع و همچنین تهدید طلاب حوزه مبنی بر اعزام آنها به خدمت سربازی اوضاع را وخیم‌تر ساخت. اما این‌گونه اعمال مردم را از صحنه خارج نساخت.

با تلاشهایی که از سوی علمای مشهد از جمله حسنعلی مروراید و شیخ مجتبی قزوینی صورت گرفت و همچنین به دستور آیت‌الله میلانی بازار مشهد تعطیل و تظاهرکنندگان در مقابل استانداری تجمع کرده، خواستار اشد مجازات برای مسببین حادثه شدند. در راستای حمایت از هاشمی‌نژاد همچنین آیت‌الله خویی از مراجع نجف طی ارسال تلگرافی به آیت‌الله العظمی سیدمحمد هادی میلانی، از ایشان خواست تا از هیچ کوششی در راه آزاد ساختن ایشان دریغ ننماید.

برگزاری مجالس روضه‌خوانی و یادبود برای شهداء حادثه، انتشار اعلامیه‌های همدردی با بازماندگان حادثه و صدور اعلامیه مراجع از دیگر کارهای سازمان یافته علما و مردم مشهد در این برهه بود. این حادثه تنها محدود به استان نبود بلکه مبارزین با تهیه اعلامیه‌هایی در محکومیت عاملین حادثه، آن را در شهرهای دیگر از جمله در تهران منتشر کردند تا ملت به عمق جنایات رژیم آگاهی حاصل کنند.

حمایت‌های مکرر علما و طلاب حوزه علمیه مشهد و پیگیریهای مجدانه آنها باعث شد تا رژیم هاشمی‌نژاد را پس از سه ماه در تاریخ ۲۴/۱۰/۴۲ آزاد سازد. بازداشت‌های مکرر وی از تلاشهای ناکاست، چنانچه پس از مدت زمان کوتاهی به دعوت علمای اصفهان به آن شهر سفر و در مسجد سید این شهر سخنرانی کرد.

مقاله پیش رو سعی دارد تا جریان وقوع این حادثه را تا حد ممکن برای خوانندگان شفاف‌تر سازد.

سخنرانی سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در مسجد فیل

حادثه مسجد فیل یکی از حوادث مهم دوران نهضت مشهد بود که پیامدهای فراوانی به دنبال داشت. حادثه از آنجا شروع شد که سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد از وعاظ و منبریهای معروف مشهد طی سه شب (۱۸ و ۱۹ و ۲۰ مهرماه ۱۳۴۲ش) در منزل اخوان فاطمی در محله عیدگاه، کوچه جهوده‌ها، روبروی گرمابه اسلام منبر رفته، سخنرانیهایی در انتقاد از رژیم و دستگاه پهلوی ایراد می‌کرد. در این جلسات ایشان را شیخ علی‌اکبر مدقق خراسانی که او هم از جمله وعاظ معروف مشهد بودند، همراهی می‌نمود. در شب نوزدهم به هنگام سخنرانی هاشمی‌نژاد، آیت‌الله سید محمد هادی میلانی که چندی قبل از تهران به مشهد بازگشته بود، در مجلس حضور یافت. حضور ایشان بر رونق مجلس افزوده و مردم با شور و هیجان بیشتر شروع به فرستادن صلوات برای سلامتی امام(ره) و آیت‌الله سیدحسین طباطبایی قمی کردند. هاشمی‌نژاد که اوضاع را مناسب دید، فرصت را غنیمت شمرده، از تلاشها و کوششهای آیت‌الله میلانی در مهاجرت به تهران و کوششهای ایشان و دیگر علما جهت آزاد ساختن امام(ره) و دیگر بازداشت‌شدگان پانزده خرداد تجلیل نمود. وی در سخنانش سفر آیت‌الله میلانی به تهران را بسیار ارزنده ارزیابی کرده و با توجه به تأثیرات عظیم این سفر، اشاره کرد: «اگر حضرت آیت‌الله میلانی به تهران مهاجرت نمی‌کرد،

شاید حالا حضرت آیت‌الله خمینی و حضرت آیت‌الله قمی در میان ما نبودند. در پس پرده نقشه‌های بسیار شومی پی‌ریزی شده بود که همه آنها با هجرت حضرت آیت‌الله میلانی بی‌اثر شد...» وی در ادامه سخنانش خطاب به آیت‌الله میلانی گفت: «حضرت آیت‌الله‌العظمی میلانی، مرجع عالیقدر، بیشتر مردم می‌گویند ما جماعت شیعه کاری از دستمان ساخته نیست و به محض این که دو گلوله خارج شد همه متفرق می‌شویم و فداکاری نمی‌کنیم. اولاً به خدا این طور نیست؛ مردم شیعه احتیاج به یک دست با قدرت دارند و همانطور که اگر در زیر ذره‌بین، انوار متفرق آفتاب در یک نقطه متمرکز شود، سوزاندگی بسیار دارد، و همان طوری که اگر یک دست با قدرت، اتم را از یک ذره الکترون جدا نماید، کافی است که یک شهر یک میلیون نفری را زیر و رو کند، این مردم شیعه هم احتیاج به دست پر قدرت یعنی یک نفر رهبر دارند...» وی در ادامه سخن خود با انتقاد از نویسنده مقاله‌ای که دین را از سیاست جدا دانسته بود، سکوت و بی‌اعتنایی مدیر روزنامه مزبور در برابر تاراج اموال مملکت توسط رژیم را نیز مورد انتقاد قرار داد:^۳ «شب گذشته روزنامه‌ای را خواندم که مقاله‌ای تحت عنوان سیاست و روحانیت^۴ در آن نوشته شده بود. نویسنده گفته بود یک نفر مسلمان بایستی به همان تکلیفی که برایش معلوم شده، عمل نماید. اگر به منزل یک روحانی برویم، در آنجا فقط باید چشممان به کتب دینی بخورد نه روزنامه‌های سیاسی و نوشته‌ها و کتابهای مربوط به سیاست؛ بلی، این نویسنده می‌خواهد بگوید که دین از سیاست جدا است. اگر روزی برسد که من بتوانم او را در پیشگاه ملت در دادگاه محاکمه نمایم، به او ثابت خواهم کرد که آقای مدیر روزنامه! منظوری جز خدمت به ارباب نداشتی؛ دیگر آن موقع گذشته است که هیأت‌های حاکمه، ما را گوسفندانی آرام و سر به راه بدانند.»^۵ هاشمی نژاد در پایان سخنرانی خود، از آمادگی مردم جهت مبارزه و حتی شهید شدن در این راه سخن گفت. ایشان با طرح این سؤال از رژیم به سخنرانی خود خاتمه داد، که اگر ایران بیست میلیون جمعیت دارد که دوازده میلیون آن را زنان و پنج میلیون آن را کودکان و سه میلیون آن را روحانیون، بازاریان و اصناف و دانشجویان تشکیل می‌دهند و اینها هیچ‌کدام در انتخابات شرکت نکرده‌اند، پس اعلام رژیم مبنی بر وجود پنج میلیون و پانصد هزار رأی در فراندوم لویج ششگانه چگونه توجیه‌پذیر است؟ ایشان در پایان از روی منبر اعلام کرد که از فردا شب در مسجد فیل^۶، واقع در خیابان نواب صفوی، خیابان سفلی سخنرانی خویش را ادامه خواهد داد.^۷

دعوت هاشمی نژاد جهت ایراد سخنرانی در مسجد فیل از سوی صنف پوست فروش و افراد فعال مذهبی و انقلابی پایین خیابان صورت گرفت. جریان از این قرار بود که در شبهای قبل آقای دانش سخنور دو سه شب در این مسجد منبر رفته بود؛ ولی چون در سخنانش از جریان فراندوم لویج ششگانه در شهرستان فردوس حمایت کرده بود، مردم از او متنفر شده و از ادامه منبر او جلوگیری می‌کنند و از هاشمی نژاد دعوت می‌کنند تا در آن مسجد سخنرانی کند.^۸

فصلنامه مطالعات تاریخی

- در شب ۴۲/۷/۲۲ هاشمی نژاد طی سخنرانی در مسجد فیل، قوانین تصویب شده توسط دولت را مورد انتقاد قرار داد. اهمّ محورهای سخنان ایشان در این سخنرانی بدین قرار بود:
۱. ردّ مجلسین (سنا و شورای ملی) و غیرقانونی بودن آن به دلیل انتصابی بودن آنها از جانب دولت
 ۲. بازداشت امام(ره)، آیت الله قمی و دیگر علما پس از حادثه پانزده خرداد ۱۳۴۲ ش
 ۳. قدغن نمودن انتشار مقالات مجله مکتب تشیع
 ۴. فرض گرفتن دولت از بیگانگان از جمله آمریکا و یهودیان (صهیونیسم)
 ۵. حضور زنان در مجلس و تساوی حق زن و مرد برخلاف قرآن و اسلام است^۹
 ۶. عدم وجود آزادی در کشور^{۱۰}

بازداشت هاشمی نژاد در سومین شب سخنرانی در مسجد فیل

در شب سه‌شنبه مورخه ۴۲/۷/۲۳ و سومین شب سخنرانی، جمعیت بیشتری در مسجد گرد آمده بودند؛ به طوری که جمعیت حاضر در مجلس بین ۶ هزار الی ۸ هزار تخمین زده می‌شد.^{۱۱} در این شب ابتدا شیخ علی فصیحی از وعاظ مشهد منبر رفت. او طی سخنانی بیان کرد: «مردم! از روحانیون پشتیبانی کنید و گوش به رادیو و اراجیف و تبلیغات رجال کثیف و بی‌بند و بار ندهید! در کوچه و بازار از همه بخواهید تا به نهضت عظیم روحانیت پیوندند... شما نباید از سرنیزه‌های پوسیده و قوای پوشالی دشمنان بهراسید». منبر ایشان در ساعت ۲۰:۳۰ به پایان رسید و ایشان به طرف منزل خود حرکت کرد، اما در اول کوچه حسنقلی توسط پلیس بازداشت و به کلانتری منتقل شد. خبر بازداشت او بلافاصله در مسجد فیل و خیابانهای اطراف آن منتشر گردید. با اطلاع یافتن مردم از دستگیری ایشان، آقای محمد خجسته یکی از بازاریان متدین مشهد که در خیابان سفلی مغازه طناب‌فروشی داشت و ضمناً از دوستان نزدیک هاشمی نژاد هم به شمار می‌رفت، به او اطلاع می‌دهد که امکان بازداشت ایشان در آن شب توسط ساواک هم زیاد است. با وجود این هاشمی نژاد در آن شب مانند شبهای قبل منبر رفته و سخنرانی کرد. وی طی سخنانی از تصویبنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی و باصطلاح تساوی حقوق زن و مرد انتقاد و این قوانین را برگرفته از قوانین اروپایی اعلام کرد. ایشان از بازداشت علما از جمله حضرت امام و آیت الله قمی و همچنین ممنوع اعلام کردن مجله «مکتب تشیع» که در قم چاپ شده و نسخه‌هایی از آن به مشهد ارسال می‌شد و اقدامات دیگر رژیم انتقاد کرد. او حتی نخست‌وزیر را هم تهدید کرد «نامبرده در شب گذشته در مسجد فیل در منبر فریاد می‌زد علم (اسدالله علم)! خیال کردی تو سوار کار شدی، همین چند روزه حسابت روشن می‌شود.»^{۱۲}

ساواک مشهد که از چندی قبل از سخنرانیهای هاشمی نژاد احساس خطر کرده بود، در گزارشی به ساواک تهران از آنها می‌خواهد پیرو مذاکره و توافقی که با استاندار خراسان صورت گرفته درباره بازداشت چهار تن از واعظ (هاشمی نژاد، شیخ علی فصیحی، مصطفی غروی و سیدمهدی طباطبایی) تصمیمات لازم اتخاذ گردد.^{۱۳}

با اطلاع یافتن مردم از وجود خطر دستگیری هاشمی نژاد، آنها سعی کردند با خاموش کردن لامپهای مسجد، او را فراری دهند؛ ولی ایشان حاضر به این کار نشده، آمادگی خود را جهت معرفی داوطلبانه به شهربانی اعلام کرد. در این زمان سیل جمعیت که حدود ۶ هزار الی ۸ هزار نفر بودند به جنب و جوش آمدند.

با پایین آمدن هاشمی نژاد از منبر عده‌ای از مردم حتی قصد داشتند او را با لباس مبدل فراری دهند اما وی باز هم رضایت به این کار نداد.^{۱۴} بر اساس اسناد موجود، هاشمی نژاد که از وجود نیروهای شهربانی و ساواک در میان جمعیت که جهت بازداشت او آمده بودند اطلاع حاصل کرده بود، از مردم تقاضا کرد تا ضمن حفظ نظم و آرامش متفرق گردند. او حتی چند تن از مأموران را خواسته و در خفا از آنها تقاضا کرده بود تا جهت جلوگیری از هرگونه حادثه احتمالی یکی از سه پیشنهاد او را بپذیرند:

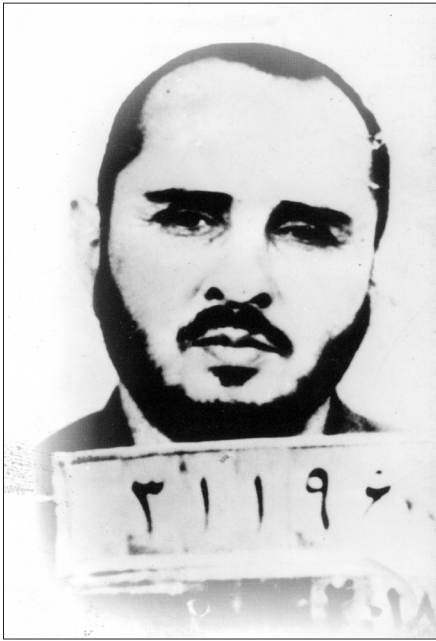
۱- اجازه دهید مانند هر شب به طرف منزل بروم و چند نفر از مأمورین شما همراه من بیایند و همین که مردم متفرق شدند من در اختیار شما هستم.

۲- دیگر آنکه دستور دهید مأمورین بروند و شما با چند نفر دیگر از مأمورین در میان مسجد بمانید مردم همچنان که مشاهده کنند مأموران رفته‌اند خواهند رفت زیرا ایستادن جمعیت بر اثر بودن مأمورین است آنگاه که مردم متفرق شدند من برای دستگیری در اختیار شما می‌باشم.

۳- یا آنکه صبر کنیم تا مردم کاملاً متفرق شوند آنگاه مرا جلب کنید.

مأمورین در ابتدا پیشنهاد سوم را پذیرفته ولی در عین حال در دستگیری هاشمی نژاد به خیال اینکه مردم به طور کلی متفرق شده‌اند عجله نموده، ایشان را بازداشت می‌کنند.^{۱۵} به هنگام خارج نمودن هاشمی نژاد از مسجد توسط آقای شمس آراء رئیس اطلاعات و سرگرد قاسمی رئیس کلاتری بخش ۳، سیل جمعیت خشمگین که از ماجرا باخبر شده بودند با چوب و سنگ جهت آزاد ساختن هاشمی نژاد به سوی ماشین هجوم آوردند. پاسبانان و نیروهای امنیتی با مشاهده جمعیت بدون هیچگونه درنگی بسوی مردم تیراندازی کردند؛ و در نتیجه تعدادی مجروح و کشته شدند.^{۱۶}

با بازداشت هاشمی نژاد اوضاع شهر متشنج شد و شهر حالت حکومت نظامی به خود گرفت. پس از بازداشت، ایشان را به ساواک مشهد منتقل می‌کنند. خود در این باره می‌گوید: «آن شب ما را



حجت الاسلام سید عبدالکریم هاشمی نژاد

به ساواک بردند و نه تنها غذایی به ما ندادند، بلکه کتک مفصلی هم به ما زدند. این زندان در داخل لشکر خراسان بود.»^{۱۷}

کیفیت این بازداشت در گزارشهای متعدد ساواک بطور گسترده‌ای بازتاب یافت. در یکی از این گزارشها چنین آمده است: «... پس از خاتمه سخنرانی چون مردم از دستگیری فصحیحی مطلع و با تظاهری که مأمورین در جلوی مسجد داشتند احساس می‌نمایند که قصد دستگیری هاشمی نژاد را دارند. در این موقع چراغهای مسجد چندین بار خاموش می‌شود که مردم متفرق شوند گروههایی که منتظر فرصت بودند صحن مسجد را ترک ولی در آن حوالی و معابر منتظر اقدامات مأمورین شهربانی بوده... در این هنگام رئیس اطلاعات شهربانی مشهد نزد او رفته و به وی تکلیف می‌کند به همراهی مأمورین به شهربانی

برود.[۱] مشارالیه اظهار می‌دارد جلب من به این صورت ممکن است موجب تحریک مردم شده و سبب بروز حوادثی شود.[۲] بهتر است تأمل شود تا پس از متفرق شدن جمعیت به شهربانی برویم.[۳] مأمورین شهربانی قانع نشده و او را به داخل اتومبیل فولکس واگن سرگرد قاسمی رئیس کلانتری ۲ هدایت می‌کنند[۴] و هنگام حرکت با مقاومت جمعیت که در معابر بودند مواجه می‌شوند[۵] و در نتیجه تعرض آنان که با پرتاب سنگ و ایجاد موانع انجام می‌گردد از حرکت خودرو جلوگیری می‌نمایند و در اینجا مأمورین ناگزیر مبادرت به تیراندازی نموده و در نتیجه دو نفر مقتول و پنج نفر مجروح می‌گردند.»^{۱۸}

هاشمی نژاد نیز درباره چگونگی دستگیر شدن خود این چنین اظهار می‌نماید: «بار دوم دستگیری من در مشهد بود که در مسجدی سخنرانی داشتم. پیش از سخنرانی مسجد را محاصره کردند و مرا بازداشت نمودند. البته چون اجتماع مردم خیلی عظیم بود شاید در حدود ۲۵-۲۰ هزار نفر جمعیت بودند و تقریباً یک ساعت از خاتمه منبرم تا زمانی که بازداشت شدم طول کشید تا بقول خودشان شرایط را آماده کنند در عین حال هنوز عده زیادی بیرون مسجد ایستاده بودند و هنگامی که مرا از مسجد بیرون آوردند تا سوار ماشین کنند مردم به ماشین و افسر و پاسبانی که بودند و می‌خواستند ما را بازداشت کنند حمله می‌کنند و با سنگ و آجر به ماشین می‌کوبند در نتیجه پلیس هم تیراندازی می‌کند

و عده‌ای زخمی می‌شوند و یک نفر هم در آنجا شهید می‌شود»^{۱۹}

پس از حادثه، مجروحان حادثه مسجد فیل را به بیمارستان «دویست تختخوابی» بردند و بیمارستان توسط نیروهای رژیم محاصره گردید. حسین پوراحمدی و حاج مهدی نجار در همین بیمارستان شهید شدند. مأمورین جنازه‌ها را به مردم تحویل ندادند و خودشان آنها را در قبرستان «گل شور» مشهد دفن کردند.

خانواده شهیدان حادثه فیل برای زنده نگه داشتن شهیدان خود سنگ قبر فراهم ساختند. روی این سنگها نام شهدا نوشته شده بود. ساواک که از این اقدام به هراس افتاده بود، از نصب سنگ قبرها مانع شد و مردم بعدها توانستند جهت یادبود نام شهیدان حادثه سنگ بزرگی حجاری کرده و روی آن بنویسند «شهدای مسجد فیل»^{۲۰}

جای تأمل دارد که چرا ساواک در حالی که می‌توانست بدون هیچ‌گونه سر و صدایی سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد را بازداشت نماید، این کار را نکرد و در حضور مردم دست به این اقدام زد؟ جوابی که به ذهن خطور می‌کند این است که رژیم با این عمل می‌خواست جو رعب و وحشتی را در میان آحاد مردم مشهد به وجود آورد و به نوعی قدرت‌نمایی هم کرده باشد و از سویی دیگر با این اقدام شکست خود در مقابل مردم در پانزده خرداد را جبران نماید.

تعداد کشته‌شدگان حادثه مسجد فیل

درباره تعداد کشته و زخمی‌شدگان حادثه اقوال مختلفی وجود دارد. بعضی از منابع به طور مبهم بیان می‌دارند که در این حادثه چندین نفر زخمی شده و از بین آنها تنها حال یک نفر از آنها رضایت‌بخش نیست. بر اساس این منبع اسامی مصدومین عبارتند از: سیداحمد مزاری مقدم منشی دفترخانه شماره ۱۱ مشهد که به طور رهگذری از محل عبور می‌کرده است؛ صفر رنجبر فرزند حسن شاگرد کفاش؛ رضا صائبی فرزند محمدحسن شغل دلال فرش؛ ماشاءالله عابدی فرزند اسدالله شغل ژاکت فروش. ایشان در حین حادثه از محل عبور می‌کرده است؛ حسن پوراحمدی شغل کفاش در خیابان شاهرضا نو دکان دارد و مهدی یوسفی سن ۵۵ سال دکان نجاری مقابل آب نوغان.^{۲۱}

در همان منبع و در سندی دیگر تعداد مصدومین هفت نفر اعلام شده که حال سه نفر آنها وخیم بوده و یکی از آنها به نام مهدی فرزند حسن یوسفی وفات نموده است.^{۲۲} در نقلی دیگر تعداد کشته‌شدگان را تنها سه نفر اعلام می‌کند.^{۲۳} در گزارش ساواک خراسان که به فرماندهی لشکر ۶ خراسان ارسال شده تعداد کشته‌شدگان دو نفر به نامهای مهدی یوسفی و حسین پورکفاش و تعداد مجروحین پنج نفر ذکر شده است.^{۲۴}

اقدامات ساواک پس از حادثه فیل

پس از این حادثه ساواک خراسان اقدام به دستگیری مظنونین حادثه کرد. آنها ضمن اخطار به آیت‌الله عمادالاسلام بختیاری ورود و خروج علما به مشهد را تحت کنترل قرار دادند. در راستای همین سیاست سیدمرتضی جزایری برادر زن محمدعلی میلانی و پدرش را که تازه به مشهد آمده بودند، مجبور به ترک مشهد کردند.^{۲۵}

ساواک با اذعان به بی‌تدبیری مأموران و پاسبانهای خود و ترس و هراس آنها از حضور گسترده مردم و حس انتقام‌جویی آنها در نحوه دستگیری هاشمی‌نژاد^{۲۶}، جهت سرپوش گذاردن بر این حادثه طی ارسال نامه‌ای به ساواک مرکز پیشنهاد کرد تا به طور مخفیانه به خانواده مقتولین و پنج مجروح این حادثه، صدهزار ریال کمک نقدی گردد و این کمک‌ها تا حد ممکن باید به طور مخفیانه صورت گیرد تا در افکار عمومی و روحیه مأمورین شهربانی اثری سوء نگذارد. بنابر آنچه در گزارش ساواک آمده پیشنهاد شده تا ضمن تحت تعقیب قرار گرفتن پرونده هاشمی‌نژاد که در ارتش موجود است، به ساواک خراسان دستوراتی صادر گردد تا مجالس روضه‌خوانی را بیش از پیش تحت نظر قرار دهند و تا حد ممکن با کمک شهربانی از بانیان مجالس تعهد بگیرند که از وعظ بدون سابقه در مجالس استفاده نمایند.^{۲۷}

۵۴

رئیس ساواک خراسان هم طی تلگرافی به ساواک تهران پیشنهاد کرد تا جهت جلب نظر مردم، او و رئیس شهربانی را از مشهد احضار کنند تا مردم به خطا تصور نمایند رژیم با هرگونه خونریزی مخالف است و مسئولین مربوطه حتی مأمورین ساواک و شهربانی مجازات خواهند شد. او همچنین می‌افزاید جانشین او با سیاست خشن‌تری با مردم برخورد کند تا مردم قدر عافیت را بدانند.^{۲۸}

از اقدامات دیگر ساواک پس از وقوع این حادثه اختلاف‌افکنی بین علما بود. آنها آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی را مشوق و محرک هاشمی‌نژاد در حادثه فیل معرفی کردند. ساواک همچنین دست به ارباب مردم و طلاب حوزه علمیه زد و به دنبال حمایت آیت‌الله میلانی از هاشمی‌نژاد، طی تماس تلفنی با فرزند ایشان به او تذکر داد.

آنها همچنین آیت‌الله میلانی را تهدید نمودند که در صورت هرگونه مشاهده دخالت ایشان در اوضاع سیاسی، از انعقاد مجالس روضه‌خوانی در منزل ایشان جلوگیری به عمل آورده، به رؤسای ادارات دولتی دستور می‌دهند از رفتن به منزل ایشان خودداری و تقاضاهای او و اطرافیانش را در ادارات نشنیده گرفته و بدین وسیله او را تحقیر نمایند.^{۲۹}

آنها برای مرعوب ساختن طلاب حوزه‌ها و مبلغین، تهدید کردند تا در صورت هرگونه فعالیتی آنها را به خدمت سربازی اعزام می‌کنند.^{۳۰}

واکنش علما و مردم مشهد نسبت به حادثه مسجد فیل

رویداد مسجد فیل رژیم را به وحشت انداخت؛ عده‌ای از سازمان اطلاعات و امنیت کشور به منظور رسیدگی به امور مشهد به این شهر آمدند و علمای مبارز طوماری تهیه کردند و به عنوان شکایت به تهران فرستادند. مضمون شکایت این بود که شهربانی و رؤسای کلانتریهای مشهد موجب قتل چند نفر شده‌اند. منظور آنها این بود که ساواک روحانی مبارز سید عبدالکریم هاشمی نژاد را در شهادت این افراد دخیل وانمود نکند. چون گفته شده بود که ایشان مردم را علیه حکومت تحریک کرده و مقصر اصلی است. حدود هزار نفر طومار یادشده را امضا کردند و در دوازده نسخه تهیه و یک نسخه از آن به تهران فرستاده شد. همچنین نسخه‌هایی از این طومار در اختیار استانداری و سازمان امنیت قرار گرفت. به دنبال آن، رئیس کلانتری محل از مشهد تبعید و رئیس شهربانی نیز تغییر کرد.^{۳۱}

با دستگیری هاشمی نژاد عده‌ای از تجار و کسبه بازار به همراه آیت‌الله حسنعلی مروارید و آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی به منزل آیت‌الله میلانی رفته، از ایشان تقاضا کردند تا به مناسبت حادثه مسجد فیل و کشته شدن افراد بیگناه در این حادثه، طی صدور اعلامیه‌ای بازار را تعطیل و به طور دسته جمعی با مراجعه به استانداری تقاضای اشد مجازات را برای مأموران شهربانی که در حادثه نقش داشته‌اند، بنمایند.

۵۵

آیت‌الله میلانی درخواست آنها را پذیرفت و تصمیم گرفت با اعزام یک نفر از اطرافیانش، بازار را تعطیل اعلام کند. اما شیخ محمدرضا نوغانی که از علمای وابسته به دربار بود، ضمن صحبت با آیت‌الله میلانی و مقصر جلوه دادن شیخ مجتبی قزوینی در تحریک هاشمی نژاد، او را از این اقدام بازمی‌دارد. با این حال آیت‌الله میلانی طی پیامی به رئیس شهربانی و معاونش، آنها را به منزلش فراخواند و چون آنها از رفتن به منزل ایشان خودداری کردند، آیت‌الله میلانی با فرستادن عمادالاسلام بختیاری نزد رئیس شهربانی از او خواست تا زمینه آزادی هر چه سریعتر هاشمی نژاد را فراهم سازد.^{۳۲}

ایشان همچنین تلگرافی جهت دلجویی از هاشمی نژاد در شب ۴۲/۷/۲۵ در زندان ارسال کرد: «جناب ثقة الاسلام واعظ شهیر آقای سید عبدالکریم هاشمی نژاد، دستگیر شدن جنابعالی و خطیب فاضل جناب آقای فصیحی موجب ناراحتی و تأثر امت اسلامی است. الی الله المشتکی و الی ولیه المهدی نرفع الشکوی. [برای] تسلی آن جانبان اقتدا به اولیاء نموده، [که] به جرم عدالت‌خواهی گرفتار شده [اید]. ولا نضیع اجر المحسنین».^{۳۳}

مشابه این تلگراف از سوی عمادالاسلام بختیاری نیز صادر شد.^{۳۴} در مجلس سوگواری که در تاریخ ۴۲/۷/۲۸ در منزل آیت‌الله میلانی برپا شد، ایشان طی سخنانی با بازماندگان شهدای

مسجد فیل اظهار همدردی، و نسبت به آزادی هر چه سریعتر هاشمی‌نژاد تأکید کرد. وی در پایان مسلمانان را به اتحاد با روحانیت فراخوانده، از حادثه فیل اظهار تأسف و تأثر کرد.^{۳۵}

در همین زمان، جمعی از متدینین مشهد نیز طی استفتائی از آیت‌الله میلانی از او سؤال کردند که آیا از نظر شرعی آنها وظیفه دارند تا جریانات اتفاق افتاده را به سمع اولیاء امور رسانده و بر امور و حقایق اتفاق افتاده شهادت بدهند؟ آیت‌الله میلانی هم طی جواب مثبت به آنها طی سخنانی اظهار داشت که حادثه فیل بسیار ناراحت کننده و دلخراش بوده، چرا که هاشمی‌نژاد از حدود قانونی خویش تجاوز نکرده و تنها خواسته‌های امت اسلامی را بیان نموده و در ضمن مردم را هم به آرامش دعوت، حتی به مأموران پیشنهاد کرده است تا جهت حفظ آرامش پس از پایان سخنرانی و متفرق شدن جمعیت او را دستگیر نمایند و حتی حاضر شده تا خود را به شهربانی معرفی کند اما مأموران این نصایح عقلانی را نپذیرفته به اقداماتی دست زده‌اند که نتیجه‌ای جز کشته و مجروح شدن تعدادی بیگناه دربر نداشته است.^{۳۶} صورت این جواب و سؤال جهت اطلاع مردم در مسجد جامع گوهرشاد، نصب گردید.^{۳۷}

در راستای حمایت از هاشمی‌نژاد، سید محمود قمی فرزند آیت‌الله حسن طباطبایی قمی نیز اعلامیه‌ای از سوی ایشان صادر نمود. او ضمن بیان تأثر و تأسف از حوادث اخیر و حادثه مسجد فیل، اعلام کرد که جهت تسلی و تشفی بازماندگان مقتولین حادثه و همچنین دعا برای مجروحین حادثه، مجلس ختم و دعایی در روز چهارشنبه پنج جمادی‌الثانی در منزل ایشان برگزار می‌شود، و از عموم مردم و مؤمنین مشهد خواسته شده بود تا در این مجلس شرکت کنند.^{۳۸}

این نکته را هم باید اضافه کرد که تمامی علمای مشهد در برابر این حادثه موضع نگرفتند، بلکه علمایی هم بودند که در برابر این حادثه سکوت اختیار کردند. آقای هاشمی‌نسب داماد آیت‌الله کوهستانی (استاد هاشمی‌نژاد) و از دوستان و همدوره‌های هاشمی‌نژاد ضمن بیان خاطرات خود، اظهار می‌کند که پس از اطلاع از زندانی شدن هاشمی‌نژاد به منزل میرزا احمد کفایی فرزند آخوند خراسانی در مشهد رفته و ضمن بیان حادثه، از او می‌خواهد تا در این زمینه اقدامات لازم را انجام دهد. اما ایشان در جواب او بیان داشته: «نیاز نیست که ما از ساواک و رژیم تقاضای آزادی ایشان را بکنیم و این کاری را که رژیم کرده است به جهت ایجاد رعب و وحشت و ترس در دل دیگران است و انشاءالله ایشان را به زودی آزاد خواهند کرد.»^{۳۹}

از دیگر علما که نسبت به این حادثه مسجد فیل و بازداشت هاشمی‌نژاد بی‌تفاوت بودند، می‌توان به محمدرضا نوغانی اشاره کرد. وی که معمولاً در بیت آیت‌الله میلانی منبر می‌رفت و در بین انقلابیون از وجهه خوبی برخوردار نبود، در مجلس روضه‌ای که در تاریخ ۲۶/۷/۴۲ در بیت آیت‌الله میلانی برگزار شده بود ضمن ایراد سخنرانی، مردم و حضار را دعوت به آرامش و سکوت

نمود؛ و تذکر داد که نبایست حرفهای تند و اهانت‌آمیزی نسبت به رژیم زده شود و با این عمل موجبات ریختن خون مردم را فراهم آورد. نوغانی که قصد داشت از اهمیت حادثه بکاهد از سوی حضار در جلسه از جمله آقایان طاهر احمدزاده، قدسی، حاجی امیرپور، بختیاری و... مورد اعتراض قرار گرفت. لذا آیت‌الله میلانی در پاسخ به اعتراض مردم ضمن سخنانی تأکید کرد «من وظیفه دارم به مردم بگویم در عین آرامش و از راه قانون وارد شوند ولی نمی‌گویم سکوت اختیار کنند و خون مردم را دولت بی‌شرم مرتباً بریزد شما هم هر اقدامی لازم است انجام دهید چون من خودم این دفعه شاهد بودم که دولت و مأمورینش در نهایت بی‌رحمی و بدون برنامه مردم را کشتند در حالی که حرفی زده نشده بود تازه این حرفها همیشه گفته می‌شود و مأمورین اگر می‌خواستند گوینده این سخنان را دستگیر کنند بایستی بدون تظاهر به منزل او بروند و او را به سازمان ببرند...» آیت‌الله میلانی در پایان سخنانش، برای جبران سخنان نوغانی پیشنهاد کرد «خودتان بیاید برنامه‌ای ترتیب [بدهید] و هر چه حقیقت است بگویید و بایستی مسلمانان حق خود را بگیرند و اگر سکوت کنیم از ما سواری خواهند گرفت در حالی که اقدامات ما باعث می‌شود که اگر عده‌ای هم از بین بروند در ایران نهضت‌هایی به وجود آید...»^{۴۰}

گرامیداشت هفتمین روز شهدای حادثه مسجد فیل

با نزدیک شدن هفتمین روز شهدای حادثه مسجد فیل، مبارزین به فکر یادبود شهدای حادثه افتادند. در همین راستا اعلامیه پل‌ی‌کپی شده‌ای تحت عنوان «به یاد هفتمین روز شهادت جانگداز فرزندان شهید و شرافتمند خراسان در فاجعه خونین مسجد فیل» از سوی کمیته کارگری استان خراسان در تهران منتشر شد که باعث ترس ساواک مرکز شده و آنها را بر آن داشت تا طی تلگرافی، از ساواک خراسان بخواهند تا در حد ممکن از انتشار این گونه اعلامیه‌ها در شهرها جلوگیری به عمل آید.^{۴۱} اعلامیه‌های دیگری نیز در محکومیت رژیم و با مضمون «هفتمین روز درگذشت کشته‌شدگان مسجد فیل» به دیوارها نصب شد.

آیت‌الله میلانی نیز در درس خود طلبه‌ها را به اقدام علیه دولت تشویق کرد. ایشان ضمن تفقد از طلابی که تا به حال زندانی شده‌اند و یا به عناوین مختلف دست به فعالیت‌های انقلابی زده‌اند، به آنها کمک مادی کرد.^{۴۲} ایشان همچنین مقداری پول برای خانواده‌های فصیحی و هاشمی‌نژاد جهت امرار معاش آنها ارسال کرد. در این زمان مراسم روضه‌خوانی هم به طور مرتب برگزار می‌گردید.

در مجلس ختمی که به مناسبت یادبود کشته‌شدگان حادثه فیل در تکیه قاسمی‌ها و تکیه تهرانیها برگزار شد، سخنرانان به تجلیل از شهدای این حادثه پرداختند. در این مجلس از مردم

دعوت به عمل آمد تا در روز جمعه مورخه ۲۶/۷/۴۲ در مجلسی که از سوی آیت‌الله میلانی در منزلش برگزار می‌گردد، شرکت کنند. در مجلس تشکیل شده، پس از سخنرانی محمدرضا نوغانی، متن تلگرافهای آیت‌الله میلانی به فصیحی و هاشمی‌نژاد، در میان مردم پخش شد تا شایعه انتقال آن دو به تهران منتفی گردد.

پس از ختم مجلس آقای تدین مدیر دبستان تدین اردکانی پیشنهاد کرد برای ابراز همدردی با بازماندگان حادثه از سوی جمعیت‌های مذهبی مشهد مثل نیکوکاران اسلامی، کانون نشر حقایق اسلامی، انجمن تبلیغات اسلامی و انجمن دانشجویان، پیامهای تسلیتی در روزنامه خراسان چاپ گردد و همچنین مجلسی نیز به مناسبت هفتم شهدای مسجد فیل در یکی از روزهای هفته از طرف عده‌ای از بازاریان و افراد جبهه ملی برگزار گردد.^{۳۳}

اعلامیه‌ای هم از سوی اهالی استان خراسان به مناسبت هفتمین روز شهادت جان‌باختگان این حادثه منتشر، و توسط طلاب به دیوارهای مساجد نصب گردید. این اعلامیه با این شعر آغاز شده بود:

در راه حق کشته شدن آرزوی ماست دشمن اگر چه تشنه به خون گلوی ماست
زندانی شدن هاشمی‌نژاد پس از پایان سخنرانی و دستگیری دیگر علما اعتراض، اقدام
روزنامه‌ای که هاشمی‌نژاد را آشوبگر خوانده بود، مورد انتقاد قرار داد. صادرکنندگان این اعلامیه
بر اساس آیه قرآن کریم «الرجال قوامون الی النساء/ آیه ۳۹ سوره نساء» تساوی حقوق زن و مرد،
وضعیت بد اقتصادی کشور و همچنین عدم منع کشت خشخاش و شرب مشروبات الکلی را در
کشور زیر سؤال برده بودند.^{۳۴}

با گذشت هفت روز از حادثه فیل همچنان مردم مشهد به مسببین این حادثه انتقاد می‌کردند. آنها در ۳۰/۷/۴۲ طی اعلامیه به دادستان خراسان که رونوشت آن را برای دادستان نظامی خراسان، دادستان کل کشور و دادستان کل ارتش هم فرستادند ضمن برشمردن دلایل متقنی که از سوی حاضرین در حادثه ارائه شده بود، توقیف هاشمی‌نژاد را اقدامی تعمدی دانسته، خواستار مجازات مسببین حادثه شدند. دلایل پنجگانه آنها به این شرح بود:

۱- ثقة‌الاسلام آقای هاشمی‌نژاد خطیب مذهبی ده شب در منزل آقای کراچیان و پنج شب در منزل آقای فاطمی و دو شب قبل از حادثه در مسجد فیل متوالیاً سخن گفتند و روی نوار ضبط شده و موجود است و در تمام سخنرانیها سخنی بر ضد امنیت کشور نگفته و مردم را تحریک به اخلال در امنیت نموده و اهانتی به مقامی نکرده و تمامی مطلب ایشان مبنی بر اصول اسلام و قانون اساسی کشور بوده است.

۲- در تمام این مدت مردم با کمال نظم و آرامش به پای منبر ایشان می‌نشستند و پس از خاتمه

منبر باز با نهایت نظم و آرامش متفرق می‌گشتند و کوچکترین حادثه‌ای رخ نداد.
۳- معظم‌له صریحاً و به کرات اعلان می‌نمود که هرگاه مقامات انتظامی و ذیصلاح به روش سخن من ایراد دارند و آن را برخلاف حقیقت یا قانون تلقی می‌کنند به اینجانب کتباً تذکر فرمایند تا عیناً این تذکر را با کمال امانت به اطلاع مردم برسانم و اگر اشتباه با من باشد حرف خود را پس می‌گیرم و اظهار تشکر می‌نمایم.

۴- بر فرض آنکه به ادعای مقامات انتظامی سخنان ایشان برخلاف امنیت تشخیص داده شده و دستور جلب نامبرده صادر گردید چرا مأمورین برای جلب ناطق به مسجد فیل میان جمعیت کثیر مسجد زدند.

۵- چرا مأمورین انتظامی مانند هزاران افرادی که اشخاص را در منزل و یا در راه توقیف می‌کردند برای توقیف ناطق به منزل او نرفتند و یا در مسیر توقیف نکردند و چرا حتی از عصر آن روز درب مسجد فیل را قبل از تشکیل مجلس و ازدحام مردم نبستند و یا با بیان مجلس را ملزم به تعطیل آن نمودند چنانکه بارها مأمورین انتظامی درب مسجد جامع گوهرشاد را بستند و از انعقاد مجلس جلوگیری کردند و یا صاحبان مجالس را ملزم به تعطیل آن کردند»^{۴۵}

کنار علما و مردم مشهد که از نزدیک با سخنران شهر خود آشنا بودند و در جهت آزادی او از هر کوششی دریغ نمی‌کردند، آیت‌الله خوبی از مراجع نجف هم با ارسال تلگرافی به آیت‌الله میلانی ضمن اظهار تأسف از بازداشت تعدادی از علمای آذربایجان، از دستگیری آقای هاشمی نژاد اظهار نگرانی کرده، از ایشان خواستند تا تمام تلاشهای خود را جهت استخلاص سریعتر ایشان به عمل آورد. «... حضرت آیت‌الله آقای میلانی دامت برکاته. خبر گرفتاری و حبس و زجر عده‌ای از حجج اسلام و وعاظ محترم آذربایجان اخیراً اضافه بر اخبار سابقه از حبس علماء اعلام و دانشمندان و متدینین محترم و آقای هاشمی نژاد موجب تأسف عمیق گردید. ما با استنکار این اعمال خلاف دین و عدالت از حضرتعالی انتظار داریم برای استخلاص این ذوات مقدسه که گناهی جز دعوت به حق ندارند اقدام لازم نموده و نتیجه را اعلام فرمایید.»^{۴۶}

آیت‌الله میلانی روز چهارشنبه مورخه ۴۲/۱۰/۸ آقایان حاجی نوغانی، حاجی ضیاء، حاجی نبوی، حاجی سیدابوالحسن نقیبی و فرزندش سید محمدعلی میلانی را که در بیتش حضور داشتند از مضمون تلگراف ارسال شده از سوی آیت‌الله خوبی مطلع ساخت. ایشان از آنها خواست در جهت آزاد شدن هاشمی نژاد از هیچ‌گونه تلاشی خودداری نکنند.^{۴۷}

آزاد شدن هاشمی نژاد پس از سه ماه

با پی‌گیریهای زیاد که از سوی مراجع و شخصیت‌های علمی حوزه‌های علمیه ایران و نجف

مختصرنامه مطالعات تاریخی

به عمل آمد، سید عبدالکریم هاشمی نژاد در تاریخ ۲۴/۱۰/۴۲ از زندان سیاسی مشهد آزاد شد. بازداشت او مانع از آن نشد که از فعالیتهای و سخنرانیهای خود دست بردارد، بلکه پس از آزادی دوباره با توان بیشتر به همراه آیات عظام سیدعلی خامنه‌ای، عباس واعظ طبسی و محمدرضا محامی به فعالیتهای انقلابی خود ادامه داد.

رژیم شاه بر این باور بود با کشتار و ارباب در جریان حادثه فیل و پدید آوردن حوادثی چون حمله به مدرسه فیضیه، مردم مشهد را از راهی که انتخاب کرده‌اند باز دارد. اما این‌گونه اعمال نتوانست مانع پیشرفت نهضت در شهر مذهبی مشهد گردد. اهالی مشهد بویژه روحانیون مبارز این شهر به مبارزات خود ادامه دادند تا آنجا که رژیم شاه خود را ناچار دید به حوزه علمیه مشهد یورش برده و طلاب را به سربازخانه‌ها اعزام نماید.

«به دنبال این تصمیم کامیونهای نظامی در مقابل مدرسه نواب توقف کردند و طلاب مدرسه مزبور را به طور دسته‌جمعی دستگیر ساخته و به زندانها و سربازخانه‌ها گسیل داشتند. رژیم شاه در ۱۸ آذرماه ۴۲ محصلان علوم اسلامی مشهد را که از وزارت فرهنگ کارت تحصیلی داشتند مشمول اعلام کرد و کارت تحصیلی آنان را پاره کرد و به منظور هتک حرمت و اهانت دامن قبای آنان را برید و آنان را به نظام وظیفه روانه ساخت.»^{۴۸}

۶۰

پایان سخن:

حادثه مسجد فیل مشهد هر چند به زخمی و کشته شدن تعدادی از مردم بی‌گناه منجر شد که تنها جهت شنیدن سخنان سید عبدالکریم هاشمی نژاد گرد هم آمده بودند اما از جهت اهمیت حادثه، تأثیرات بزرگی بر روند گسترش نهضت در مشهد برجای گذاشت.

به رغم تلخی و ناگوار بودن این حادثه، بیوت مراجع مشهد بویژه آیات عظام سیدمحمدهادی میلانی و سیدحسن قمی را به هم نزدیکتر کرد و از سوی دیگر، طلاب حوزه علمیه مشهد را در رسیدن به هدف منسجم‌تر ساخت؛ همچنین هیجان و صف‌ناپذیری در مردم مشهد به وجود آورد. رژیم توانسته بود پس از قیام پانزده خرداد و در پی بازداشت امام، آیت‌الله قمی و دیگر علما و همچنین ارباب مردم از جایگاه و موضع قدرت وارد میدان شود و مردم بی‌دفاع را تا اندازه‌ای در انزوا قرار دهد. اما پس از این حادثه بود که مردم با حمایت‌های علما توانستند مجدداً در صحنه مبارزه حضور یافته، بر خواسته‌های خود تأکید نمایند.

مسئله دیگر درباره این حادثه بازتابی است که در تهران و حتی بیرون از کشور داشت. صدور تلگراف از سوی آیت‌الله خویی به آیت‌الله میلانی در مشهد و تأکید بر آزاد ساختن هاشمی نژاد از زندان دلیلی بر این ادعاست.

رژیم قصد داشت با این‌گونه حوادث مانع از گسترش نارضایتی مردم شده، از رشد روزافزون نهضت امام جلوگیری کند، اما هوشیاری مردم و علما مانع از این امر گردید و نهضت را به هدفش نزدیکتر ساخت.

پانوشتها:

- ۱- بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۷۸۲، سند شم ۱.
- ۲- آیت‌الله سید محمدهادی میلانی در تاریخ چهاردهم تیرماه به منظور حمایت از امام خمینی و سایر بازداشت‌شدگان به تهران مهاجرت کرد و در تاریخ هجدهم مهرماه به مشهد بازگشت.
- ۳- یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، ۱۳۷۷، ص ۲۲.
- ۴- ر.ک: روزنامه نوای خراسان، مورخه ۴۲/۷/۵، ص ۱.
- ۵- یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، صص ۲۴-۲۲.
- ۶- مسجد فیل از مساجد تاریخی مشهد مقدس است که در محله پایین خیابان قرار گرفته و امروز به نواب صفوی تغییر نام یافته است. این مسجد در دوران قاجاریه ساخته شده و در سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۴۸ تغییراتی در آن ایجاد گردید. در این مکان مذهبی سخنرانیهای پرشور و وعظ و خطابه روحانیون مبارز خراسان تاریخ مقاومت و پایداری را رقم می‌زند. (جلالی عزیزیان، حسن، زندگینامه سیاسی شهید هاشمی‌نژاد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۸۷).
- ۷- بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۷۸۲، اسناد شم ۲ و ۳؛ مصاحبه با غلامحسین حیدری موجود در بایگانی تاریخ شفاهی مرکز آستان قدس رضوی، شماره پرونده ۹۶، ص ۸.
- ۸- یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، ص ۶۷.
- ۹- اعتراض علما به مشارکت زنان در انتخابات نه از جهت مخالفت با حق رأی و حضور زنان در جامعه بلکه، اعتراض به مقاصد شوم رژیم و پیامدهای مترتب بر این مسئله بود. امام در سخنرانی خود پیرامون انجمنهای ایالتی و ولایتی در جمع بازاریان تهران در دوم آذرماه ۱۳۴۱ش، سخن رژیم مبنی بر آزادی زنان و حق رأی برای آنها در لایحه مذکور را زیر سؤال برده بیان می‌کنند که وقتی در جامعه هیچ‌گونه آزادی وجود ندارد پس چگونه آنها مدعی آزادی زنان هستند. «... مطبوعات را سانسور نموده‌اند و می‌گویند آزادی هست، ملاقات با علمای شیراز را ممنوع نموده‌اند...» ایشان همچنین از عاقبت این مسئله ابراز نگرانی کرده بودند. «... اگر این قانون عملی بشود، دنبالش چیزهای دیگری است...» (صحیفه امام، ج ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۷۸، صص ۸۲ و ۹۴)؛ حجت‌الاسلام محمدتقی فلسفی هدف رژیم از تصویب لایحه فوق را مشارکت زنان نایاب در جامعه و سوءاستفاده رژیم جهت تحقق بخشیدن به دو مورد دیگر از تبصره‌های این لایحه تحت پوشش شعار حق رأی زنان می‌داند. «به جای قید ذکوریت کلمه باسواد گذاشته بودند، که اعم باشد از مرد و زن، تا راه را برای انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان، که آن موقع معلوم بود چه زنانی منظور بودند باز شود... مورد اخیر «حق رأی زنان» چندان مهم نبود، بلکه آن را پوششی برای دو مورد دیگر قرار داده بودند، لذا یکی از روزنامه‌ها با حروف درشت در بالای صفحه اول خود نوشته بود (به زنان حق رأی داده شد) تا اگر علما مخالفت کردند که چرا در قانون دست برده‌اید، بگویند آقایان با زنها طرف شده‌اند.» (خطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی،

فصلنامه مطالعات تاریخی

- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲).
- ۱۰- بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۷۸۲، سند شم ۴.
- ۱۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، ص ۶۸.
- ۱۲- همان، صص ۳۰ و ۳۱.
- ۱۳- همان، ص ۲۰.
- ۱۴- بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۷۸۲، اسناد شم ۷۱ و ۷۲.
- ۱۵- همان، اسناد شم ۷۴ و ۷۵؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، صص ۶۵ و ۶۶.
- ۱۶- یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، ص ۳۵.
- ۱۷- هاشمی‌نژاد، سید احمد، فریادگر شهر شهادت (یادنامه شهید بزرگوار عبدالکریم هاشمی‌نژاد)، دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول، ۱۳۷۵، ص ۵۸.
- ۱۸- همان، ص ۵۱.
- ۱۹- بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۶۲۷، سند شم ۱۴۶.
- ۲۰- فریادگر شهر شهادت (یادنامه شهید بزرگوار عبدالکریم هاشمی‌نژاد)، صص ۳۳۲ - ۳۳۱.
- ۲۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، ص ۳۸.
- ۲۲- همان، ص ۴۷.
- ۲۳- مصاحبه با محمدعلی روحانی (گلابگیر) موجود در بایگانی تاریخ شفاهی مرکز آستان قدس رضوی، نوار شم ۵۲۰، جلسه ششم.
- ۲۴- بایگانی مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شم ۱۹۹۷/۱.
- ۲۵- یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، ص ۴۸.
- ۲۶- همان، ص ۵۱.
- ۲۷- همان، صص ۵۱ و ۵۲.
- ۲۸- بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۳۸۵، سند شم ۱۲۳.
- ۲۹- همان، سند شم ۱۲۱.
- ۳۰- دونی، علی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳ و ۴، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ ۲، تهران، ۱۳۷۷، ص ۵۲۵؛ فردوسی‌پور، اسماعیل، همگام با خورشید از ایران تا ایران، مجتمع فرهنگی، اجتماعی امام خمینی، فردوس، ۱۳۷۲، ص ۱۲۱.
- ۳۱- جلالی، غلامرضا، مشهد در بامداد نهضت امام خمینی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۸، ص ۲۱۰.
- ۳۲- بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۳۸۵، سند شم ۱۰۶.
- ۳۳- همان، شماره بازیابی ۹۸۱، سند شم ۱۶.
- ۳۴- جهت آگاهی از متن تلگراف ر.ک: یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، ص ۷۸.
- ۳۵- بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۹۵۰، سند شم ۳۰.
- ۳۶- همان، شماره بازیابی ۹۵۳، سند شم ۸۸.
- ۳۷- آیت‌الله‌العظمی سید محمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، ۱۳۸۰، ص ۴۱۳.
- ۳۸- بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۶۲۷، سند شم ۸.
- ۳۹- فریادگر شهر شهادت (یادنامه شهید بزرگوار عبدالکریم هاشمی‌نژاد)، صص ۲۳۵ و ۲۳۶.
- ۴۰- آیت‌الله‌العظمی سید محمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، صص ۳۹۴ و ۳۹۶.
- ۴۱- برای آگاهی از متن اعلامیه ر.ک: یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، صص ۸۹ - ۸۷.

بازخوانی حادثه مسجد فیل

- ۴۲- آیت‌الله العظمی سید محمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، ص ۴۱۶.
- ۴۳- یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالکریم هاشمی نژاد، صص ۹۰-۹۲.
- ۴۴- قیام پانزده خرداد به روایت اسناد ساواک (حصر)، ج ۴، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چ اول، تهران، ۱۳۸۲، صص ۱۷۶ - ۱۷۳.
- ۴۵- یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالکریم هاشمی نژاد، صص ۹۵ و ۹۶.
- ۴۶- اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، چ دوم، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۱۲.
- ۴۷- آیت‌الله العظمی سید محمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، ص ۴۹۰.
- ۴۸- روحانی، سیدحمید، نهضت امام خمینی، ج ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ پانزدهم، تهران، ۱۳۸۱، ص ۷۷۵.